



PROJECT MUSE®

Persian in use

Sedighi, Anousha

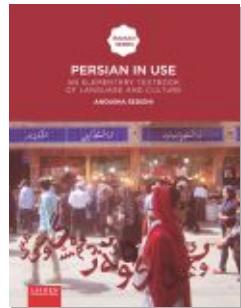
Published by Leiden University Press

Sedighi, A..

Persian in use: An Elementary Textbook of Language and Culture.

Leiden University Press, 0.

Project MUSE., <https://muse.jhu.edu/>.



➔ For additional information about this book

<https://muse.jhu.edu/book/46336>

دس پنجم



خرید Shopping



Communication Objectives

Talking about the Price of Products
Using Shopping-related Terms
Describing Products
Expressing Quantities
Negotiating the Price
Giving Commands
Talking about What You “Want” to Do or “Have” to Do

Contents

Interactive Dialogue 1: Do You Have a Student Discount?

Interactive Dialogue 2: I Want to Buy a Nice Rug

In-class Reading: The School Principal is Sick

Grammar 1: Imperative

Grammar 2: Present Subjunctive

Subjunctive as an Independent Verb

Subjunctive vs. Imperative

Let's Learn More: Clothes

Short Dialogues about Shopping

Technology-related Words

Review Corner

Poem from *شاهنامه* by Ferdowsi

Song: *جان مریم* (Singer: Mohammad Nouri)

Cultural Note: Bargaining Brings Prosperity!

Traditional Bazaars

Proverb

Thematic Review of New Vocabulary



وازگان ۱

Sir	جناب ^۱	Must/Should	باید
Wait! (Plural & Formal)	صبر گُنید / صبر گُنین (گُن)	I should/may ask	بپرسم (پرس)
Price	قیمت	I should/may buy	بخرم (خر)
Co-worker	همکار	Go! (Plural & Formal)	بروید / بربین (رو)
Bookstore	كتاب فروشى	Student discount	تخفيض دانشجوبي
I should/may find it	پيدايش گنم / پيداش گنم	I can/I am able to	مي توانم / مي تونم (توان)
Moment	لحظه	Client/Customer	مشترى
Ask! (Plural & Formal)	بپرسيد / بپرسين (پرس)	I want	مي خواهم / مي خوام (خواه)

Close your book and listen to the dialogue. Then fill in the blanks using the new words.

گفتگو ۱

در کتاب فروشی دانشگاه

کامران: سلام، خسته نباشین. من می خوام کتاب شیمی سال اول رو بخرم. می دونین کجا می تونم پیداش کنم؟

فروشنده: لطفاً یه لحظه صبر کنین. از همکارم بپرسم.

کامران: بفرمایین، بپرسین.

فروشنده: لطفاً بربین طبقه‌ی سوم. کتاب شیمی سال اول رو می تونین اونجا پیدا کنین.

کامران: خيلي ممنونم. می تونم قيمت‌ش چنده؟

فروشنده: باید ببخشین. نمی دونم. از طبقه‌ی سوم بپرسین.

کامران: شما اينجا تخفيض دانشجوبي دارين؟

فروشنده: نه ! مشترى‌هاي ما همه دانشجوان!



1. جناب literally means "your excellency".



نوشتاری

گفتگو ۱

کامران: سلام، خسته من می‌خواهم کتاب شیمی

سال اول را بخرم. می‌دانید کجا می‌توانم پیدا کنم؟

فروشنده: لطفاً یک لحظه صبر کنید. باید از همکارم بپرسم.

کامران: بفرمایید.

فروشنده: لطفاً به طبقه‌ی سوم بروید. کتاب شیمی سال اول

را می‌توانید در آنجا پیدا کنید.

کامران: خیلی ممنونم. بپرسم قیمت‌ش چند است؟

فروشنده: باید ببخشید. نمی‌دانم. از طبقه‌ی سوم بپرسید.

کامران: شما اینجا تخفیف دانشجویی دارید؟

فروشنده: نه جناب! مشتری‌های ما همه دانشجو هستند!



Unlike English, in which "can" is a modal and cannot be conjugated, توانستن is a main verb and can be conjugated. Examples:

شما می‌توانید. You can.

او می‌تواند. S/he can.

آنها می‌توانند. They can.

تمرین ۱

Role-play the above dialogue with your classmates and pretend that you are in a bookstore. Ask for a specific book. Ask if they have a student discount.

واژگان ۲

Expensive	گران / گرون	Store	فروشگاه
It should/may not be	نباشد / نباشه	All kinds	همه نوع
I should/may take it	ببرمیش	Qilim	گلیم
Silk	آبریشم	Gabbeh	گبه
Light (weight)	سُبک	Rug	فرش
Taste	سلیقه	I buy it	می‌خرم / می‌خرمیش
Ok/Well	خوب	Heavy	سنگین
That/Which/Who/When/Where/Whose/Who	که	Sell it for less so that we become customers	از زان بدهید / ارزون بدم / ارزون بدمین مشتری شیم
Toman (Iranian currency)	تومان / تومان	I should/may count	حساب کنم
OK (response)	باشد / باشه	Congratulations!	مبارک است! / مبارکه!
May it bring you luck	خیرش را ببینید / خیرشو ببینین	For example	مثالاً



Close your book and listen to the dialogue. Then fill in the blanks using the new words.

گفتگو ۲



پریسا: روزتون به خیر. چه _____ قشنگی!

فروشنده: ممنون. ما همه نوع فرش، گلیم، و گبه داریم.

پریسا: من یه فرش خوب _____ می خوام که ببرم آمریکا.

فروشنده: فرش ابریشم سنگین نیست ولی قیمتش بالاست.

پریسا: مثلًاً این فرشه چند؟

فروشنده: این _____ تبریزه. چه سلیقه‌تون خوبه!

پریسا: مرسی. حُب، این با تخفیف چند؟

فروشنده: قابلی نداره. برای شما ده میلیون تومان.

پریسا: نه آقا! ده میلیون خیلی گرونه! ارزون بدین مشتری شیم!

فروشنده: خب، با تخفیف می‌تونم براتون نه میلیون و هشتصد تومان حساب کنم.

پریسا: باشه، می‌خرممش.

فروشنده: مبارکه! خیرشو ببینین!

نوشتاری

گفتگو ۲

پریسا: روز تان به خیر. چه فروشگاه قشنگی!

فروشنده: ممنون. ما همه نوع فرش، گلیم، و گبه داریم.

پریسا: من یک فرش خوب سبک _____ که به آمریکا ببرم.

فروشنده: فرش ابریشم سنگین نیست ولی قیمتش بالاست.

پریسا: مثلًاً این فرش چند است؟

فروشنده: این فرش تبریز است. چه سلیقه تان خوب است!

پریسا: مرسی. حُب، این با تخفیف چند است؟

فروشنده: قابلی ندارد. برای شما ده میلیون تومان.

پریسا: نه آقا! ده میلیون خیلی گران است! ارزان بدھید مشتری شویم!

فروشنده: خب، با تخفیف _____ برایتان نه میلیون و هشتصد

تومان حساب کنم.

پریسا: باشد، _____.

فروشنده: مبارک است! خیرش را ببینید!



که has other usages that we will learn in Lesson 10.



تمرين ۲

Role-play the above dialogue. Provide the specifications for the rug/gabbeh/qilim you want to buy. Make sure you haggle for a price!

تمرين ۳

Find six words that are different in written and spoken forms and write them below. Pronounce the words as you write.

Spoken	← Written	Spoken	← Written



آقاي شريفى بيمار است

مدیر مدرسه‌ی ما، آقاي شريفى، بيمار است. او باید برای مداوا به بيمارستان برود. آقاي شريفى میانسال است. او متاهل است و سه بچه دارد. آقاي شريفى مرد مهربانی است. ما خيلي برای آقاي شريفى ناراحت هستيم و اميدواريم او به زودی خوب شود. معلم ما، خانم افشار، می‌گويد ما باید امسال خيلي درس بخوانيم و آقاي شريفى را خوشحال کنیم. ما می‌خواهیم برای آقاي شريفى یک کامپیوترا خوب بخریم و به او هدیه بدهیم.



This year	امصال
We hope	آميدواريم
We should/may give	بدهيم (ده)
S/he should/may go	برود (رو)
Quickly/Soon	به زودى
Sick/Ill	بيمار
Hospital	بيماريستان
Present/Gift	هدие
We should/may study	درس بخوانيم (خوان)
We should/may make... happy	خوشحال گنیم (گن)

We want	می‌خواهیم (خواه)	We should/may make... happy	خوشحال گنیم (گن)
We may/should buy	بخریم (خر)	School	مدرسه
S/he says	می‌گوید (گو)	Medical treatment	مداوا



تمرین ۴

a) Listen to the audio file and follow along in your text. Repeat each sentence several times.

b) Answer in complete sentences. Use the written form.

۱. نام مدیر مدرسه چیست؟
۲. چرا او باید به بیمارستان برود؟
۳. درباره‌ی آقای شریفی چه می‌دانید؟
۴. خانم افسار به دانشآموزان چه می‌گوید؟
۵. دانشآموزان می‌خواهند برای آقای شریفی چه بخزند؟
۶. «مداوا» به انگلیسی یعنی چه؟

Antonyms

گران / گرون ≠ آرزان / ارزون
سُبُك ≠ سَنْگِين

Synonyms

فُروشگاه = مَغَازِه	فَرْش = قالی
باشد / باشه = چشم	بیمار = مَرِيض

تمرین ۵ واژگان

Fill in the blanks using the appropriate vocabulary from the list below.

بفرمایین - نه جناب - مداوا - قیمت - چند تا - مريض - مشتری شیم - قابلی نداره - ابریشم

۱. ببخشید، می‌توانم بپرسم ————— این کامپیوتر چند است؟
۲. این رایانه با تخفیف دانشجویی چند است؟ .————— .—————
۳. مینا خانم برای ————— باید به آمریکا برود.
۴. باشه، ————— بپرسین! (Spoken)
۵. شما اینجا تخفیف دانشجویی دارین؟ ————— مشتری‌های ما همه دانشجوان! (Spoken)
۶. تو چه فرشی دوست داری؟ من فرش ————— دوست دارم.
۷. مادر علی ————— است و در بیمارستان است.
۸. آرزوں بِدین ————— (Spoken) !



دستور زبان ۱



امْرٌ IMPERATIVE

The imperative form is used to make direct commands and requests, both positive and negative.

The imperative form only applies to the **second person (singular and plural)**. The imperative does not apply to the **first person** and the **third person**.

Formation:

- The singular imperative is formed by adding the prefix بـ to the present stem of the verb with no verb ending.
- The plural imperative is formed by adding the second person plural ending /-id/ to the singular imperative. Examples:

خندیدن		
Imperative		
Laugh! (sing)	بـ + خـند \leftarrow بـخـند!	تو
Laugh! (pl)	بـ + خـند + يـد \leftarrow بـخـندـيـد!	شـما

The prefix بـ is inserted in between the two components of the compound verbs. Examples:

درس خواندن		
Imperative		
Study! (sing)	درس بـخـوانـ!	تو
Study! (pl)	درس بـخـوـانـيـدـ!	شـما

In written form, the imperative form of most compound verbs, particularly those whose verbal element is شـدن or كـرـدن, is formed without the بـ prefix. The prefix may be present in spoken form.

Work! (sing)!	کـارـ کـنـ!	تو
Work! (pl)	کـارـ کـنـيـدـ!	شـما

The equivalent of the words “Please”, لطفاً and مـىـ كـنـمـ خـواـهـشـ accompany the imperative forms.

Writing and Pronunciation:

- If the present stem has the vowel /o/, the imperative prefix changes to بـ due to a vowel harmony rule. Example:

Eat!	بـخـورـ! (خـورـ)	تو
Eat! (pl)	بـخـورـيـدـ! (خـورـ)	شـما

- If the present stem ends in /ow/, in the **plural** form, the /ow/ changes to /av/. Example:

Wake up	بـيـدارـ شـوـ!	Go!	برـوـ!	تو
Wake up! (pl)	بـيـدارـ شـوـيـدـ!	Go! (pl)	برـوـيـدـ!	شـما



3. If the present stem begins with a vowel, a /y/ is inserted to ease the pronunciation. Hence the imperative prefix changes to /bi/².

Bring!	بیاَر / بیار! (آور)	Come!	بیا! (آ)	تو
Bring! (pl)	بیاُرید / بیارین! (آور)	Come! (pl)	بیاید! / بیاین! (آ)	شما

4. If the present stem has more than one vowel and the first vowel is /e/ or /o/, that vowel is usually contracted. Look at the transliteration of the examples to understand it better.

be-gozār → bogzār/bezār	Put/Allow (it)!	بِگذار! ← بُگذار!/بِذار! (گذار)	تو
be-neshin → benshin/beshin	Sit	بِنشین! ← بُنشین!/بِشین! (نشین)	تو

EXCEPTIONS (To Be & To Have)

The imperative forms of the verbs بودن and داشتن are not derived from their present stems. They are derived from the following stems: داشته باش and باش

Be patient!	صَبِرْ داشته باش!	Be quiet!	سَاكِتْ باش!	تو
Be patient! (pl)	صَبِرْ داشته باشید!	Be quiet! (pl)	سَاكِتْ باشید!	شما

NEGATION

To form the negative imperative, replace the بـ prefix with prefix نـ. نـ carries stress and always remains the same, regardless of the following vowel.

درس خواندن		خندیدن	
Do not study!	درس نَخوان!	تو	Do not laugh!
Do not study! (pl)	درس نَخوانید!	شما	نَخندي!
			شما

Writing and Pronunciation:

If the present stem begins with a vowel, a /y/ is inserted after the نـ prefix.

Do not bring!	نَبِيَاَر / نَبِيَار! (آور)	Do not come!	نَبِيَا! (آ)	تو
Do not bring! (pl)	نَبِيَاُرید / نَبِيَارین! (آور)	Do not come! (pl)	نَبِيَايد! / نَبِيَارِن! (آ)	شما

2. The exception is ایستادن in both affirmative and negative forms.



تمرین ۶

Use Appendix A and write the following imperative forms and pronounce them aloud:

2nd Person Plural Neg.	2nd Person Singular Neg.	2nd Person Plural	2nd Person Singular	
				پرسیدن
				خوردن
				دوست داشتن
				کار کردن
				گذاشتن
				نشستن

تمرین ۷

Use Appendix A and write the imperative forms (singular & plural) for each image. The odd numbers require a negative verb. Use the polite words **لطفاً** or **می‌کنم** before each verb.



.2



.1



.4



.3



.6



.5

تمرین ۸

Use Appendix A and conjugate the following verbs in the plural imperative form.

۱. بچه‌ها، کتاب‌هایتان را ! (باز کردن)

۲. لطفاً به انگلیسی ! (نوشتن)

۳. خواهش می‌کنم به من ! (گوش کردن)

۴. بچه‌ها، از روی درس ! (خواندن)

۵. بچه‌ها، ساکت ! (بودن)



دستور زبان ۲



PRESENT SUBJUNCTIVE حال التزامی

The present subjunctive³ form is used in a variety of situations in Persian:

1. It is used with modals (such as باید or شاید) (ex: *I must/may/shall study*).⁴
2. It is used as a second verb after expressions of desire, doubt, hope, possibility, probability, preference, and necessity (ex: *I want to see you*).
3. It is used after conjunctions (such as تا or که) and in conditional sentences. We will learn more about these usages in future lessons. Examples:

I should/may study.	۱. من باید/شاید درس بخوانم.
I want to see you.	۲. من می خواهم تو را ببینم.
I like to study.	۳. من دوست دارم درس بخوانم.
I go to school to/in order to study.	۴. من به مدرسه می روم تا درس بخوانم.

To form the Present Subjunctive:

- 1) Add the prefix بـ to the present stem of the verb: بـ + خـند → بـخـند
- 2) Add the personal endings used for the simple present tense.

درس خواندن			
من	درس بخوانم	ما	درس بخوانیم
تو	درس بخوانی	شما	درس بخوانید
او	درس بخواند	آنها	درس بخوانند

خندیدن			
من	بخندم	ما	بخندیم
تو	بخندی	شما	بخندید
او	بخنداد	آنها	بخندند

Writing and Pronunciation:

The writing and pronunciation rules of the imperative apply to the subjunctive form, except in the following verbs:

رفتن: (رَوْ) ← بِرَوْم / بِرَم

بیدار شدن: (شَوْ) ← بیدار شَوْم / بیدار شَم

Similar to the imperative form, the prefix بـ may be omitted in the subjunctive form of some verbs such as: شـدن – کـرـدن. The spoken form may not follow this rule.

کار کـنـیـم / کار بـکـنـیـم.

EXCEPTIONS (To Be & To Have)

Similar to the imperative form, بودن and داشتن are irregular in the subjunctive form and their stems are: باش and داشته باش. Examples:

تو باید سـاـکـتـ باـشـیـ! – تو بـایـدـ صـبـرـ دـاشـتـهـ باـشـیـ!

3. Persian has both present and past subjunctive forms. In this book, we will learn only the present subjunctive form. Hence the word subjunctive is used instead of present subjunctive.

4. The Persian equivalent of "can" = توانستن (*to be able to*) must be conjugated in Persian.



NEGATION

To negate a verb in the subjunctive form, replace the **ذ** prefix with the stressed prefix **ذَ**.

درس خواندن	من	خندیدن
درس نخوانیم	ما	نَخندیم
درس نخوانم	من	نَخندم
درس نخوانید	تو	نَخندی
درس نخوانی	شما	شما نَخندید
درس نخواند	آنها	آنها نَخندند
درس نخوانند	او	او نَخند

تمرین ۹

With a classmate, practice reading the imperative and subjunctive forms provided in the grammar sections. Take turns and listen to each other's reading.

تمرین ۱۰

Use Appendix A and conjugate the verbs in the subjunctive form. Read your sentences aloud.



The Persian equivalent of “can” is: **توانستن** which literally means “To be able to” and must be conjugated.

۱. من می‌خواهم به ایران _____ (رفتن).
۲. آقای شریفی باید _____ (مداوا شدن).
۳. ما شاید _____ (کمک کردن).
۴. آنها شاید فردا فارسی _____ (داشتن).
۵. من شنبه نمی‌توانم تو را _____ (دیدن).
۶. او هر روز باید دخترش را به مدرسه _____ (بردن).
۷. من فکر می‌کنم فردا به او _____ (گفتن).
۸. تو باید تمرین‌ها را بهتر _____ (انجام دادن).
۹. آنها می‌توانند خیلی خوب فارسی _____ (حرف زدن).
۱۰. مادر من هم خیلی دوست دارد _____ (آمدن).
۱۱. من می‌خواهم یک کتاب به تو _____ (دادن).
۱۲. او شاید امشب با ما _____ (بودن).

تمرین ۱۱

Underline the subjunctive and imperative forms in the written version of Dialogues 1, 2, and the reading passage. Explain why you think they are in either the subjunctive or imperative form.



Subjunctive as an Independent Verb

When the subjunctive form is used independently, a modal (may/must/can/should/would) is implied. It can also be used as an interrogative form with a rising tone. Examples:

He must/should go.	برود!
Can/may he go?	برود؟
Let's eat.	بخاریم!
Shall we eat?	بخاریم؟

Subjunctive vs. Imperative

When the subjunctive form is used independently, the second person plural form is identical to the imperative form. While they both have a command tone, the subjunctive form has a stronger tone than the imperative form and can be used for warning. Examples:

Do not talk!	حرف نزن!	Eat!	غذا بخور!	Imperative
You must not talk!	حرف نزن!	You must eat!	غذا بخوری (ها)!	Subjunctive

In spoken form, **ها** may be added for emphasis.

Subjunctive vs. Simple Present

The difference between the present subjunctive and the simple present forms is shown below:

What do I do?	۱. چه کار می کنم؟
What would I do?	۲. چه کار کنم؟
Where do they go?	۳. کجا می روند؟
Where would they go?	۴. کجا بروند؟
We go to school tomorrow. Should we go to school tomorrow?	۵. فردا به مدرسه می رویم. ۶. فردا به مدرسه برویم؟

تمرین ۱۲

Arrange the following words to make a sentence. Read your sentence aloud:

۱. کتابفروشی - لطفاً - برای - خودکار - بخر - از - یک - من
۲. همکارم - چند روز - باید - کارنکند - است - و - مریض
۳. ببینم - خیلی - را - دوست دارم - ایران - من
۴. یاد بگیرید - می خواهید - فارسی - شما - چرا - ؟
۵. آقای شریفی - با - صحبت کنم - ببخشید - می توانم - ؟



تمرین ۱۳

Form questions about the underlined words.

۱. ؟ من امروز عصر می خواهم به خرید بروم.
۲. ؟ او باید خودکار قرمز بخرد.
۳. ؟ علی با دوستش باید درس بخوانند.
۴. ؟ چون من باید فردا صبح زود کار کنم.
۵. ؟ ببخشید. نمی توانم ساعت پنج بیایم.
۶. ؟ من دوست دارم یک فرش ابریشم بخرم.

تمرین ۱۴

Write a paragraph about what you want to do tomorrow night. Use at least five subjunctive forms.

Example:

من **می خواهم** فردا شب به خانه‌ی دوستم **بروم**. ما **شاید** به یک رستوران ایرانی **برویم**. **امیدوارم** رستوران خیلی گرانی **نباشد** چون من زیاد پول ندارم

تمرین ۱۵

Change into written form. Pronounce your answers aloud.

۱. تو چی **می خوای** بخری؟
۲. پسرتون هم باید باهاتون بیاد؟
۳. تو دوست داری بری ایران؟
۴. اونا **می تونن** بیان اینجا؟
۵. می تونی از اونجا غذا بخری؟
۶. چرا براش کامپیوتر **نمی خری**؟



بیشتر بدانیم

پوشاك - لباس



کُت



شَلوار

پيراهن /
پيرهـن / پيرـن

تى شِرت



بلوز / بُلـيز



دامـن



کاپـشن / کاپـشن



ژـاكت

کـت و شـلوار /
کـت شـلوار

روـسى



چـادر



روـپـوش - مـانـتو



کـفـش



جـورـاب



کـلاـه



تمرین ۱۶

Talk with your classmate about the type and color of the clothes you are wearing. Ask each other what you want to wear tomorrow. Examples:

a: تو این کلاه رو دوست داری؟

b: نه من کلاه دوست ندارم.

a: شلوار من چه رنگیه؟

b: شلوارت آبیه.

a: جوراب پیتر چه رنگیه؟

b: جورابش سفیده.

a: تو فردا چی می‌پوشی؟

b: من فردا کت و شلوار می‌پوشم.

تمرین ۱۷

What kind of shoes are advertised in the following ad? What are the advantages of using these shoes? Underline the names of body parts in the text. If you live in a city other than Tehran, how can you get these shoes?

گفشن لاغری «سبک گام»

مزایای استفاده از گفشن سبک گام:
کاهش وزن - کمک به کاهش سایز شما
سوزاندن کالری - کمک به زیبایی بدن
(پشت - شکم - پاها - زانوها - باسن)
فروش تک در تهران

و ارسال از طریق پست به شهرستان

تمرین ۱۸: واژگان

In each line, circle the word that does not match the rest:

پارچه	ارزان	سبک	۱. سنگین
دامن	بلوز	مشتری	۲. شلوار
لحظه	قابلی نداره	ارزون بدین مشتری شیم	۳. مبارکه
باشه	خب	امیدواریم	۴. مثلاً
روسربی	معازه	بیمار	۵. قالی
نباید	نباش	نروید	۶. نخور
کفش	پول	روپوش	۷. چادر



More About Shopping

Listen to the audio file and pronounce the following short dialogues.



- a: سیب کیلویی / کیلو چنده?
b: کیلویی پنج هزار تومان



- a: ببخشین قیمت این مانتو چنده?
b: هفتاد هزار تومان



- a: یه متر از این پارچه چنده؟ / این پارچه متری چنده?
b: متری دوازده هزار تومان



- a: نون دونه‌ای چنده?
b: دونه‌ای پنج هزار تومان



- a: خرما بسته‌ای چنده?
b: بسته‌ای هفتاد هزار ریال



- a: تخم مرغ شونه‌ای چنده?
b: شونه‌ای چهار هزار تومان



- a: این کفش آخریش چند؟
b: قابلی نداره!



- a: تخفیف نمی‌دین؟
b: نه، قیمت‌ها مقطوعه!



تمرین ۱۹

Read the text below and fill in the blanks with the given words. Next, answer the following questions.



خرید شیرین و میترا

«شیرین» دختر آقای شریفی با ————— ش «میترا» امروز می خواهند به خرید بروند. آنها ————— خوشحالند چون امروز مدرسه ندارند. آنها می خواهند به مرکز خرید ————— و تا عصر خرید کنند. شیرین یک ————— و یک جفت کفش لازم —————. مریم هم می خواهد یک روسربن بخرد. ————— معمولاً مقطوع هستند ولی آنها می خواهند چانه بزنند و ————— بگیرند. قیمت‌ها — دوست — تخفیف — سفید — برونده — خیلی — دارد — جوراب



Look at the end of the lesson for the meaning of the new words.

۱. شیرین و میترا امروز می خواهند به کجا بروند؟

۲. شیرین و میترا امروز می خواهند تا کی خرید کنند؟

۳. شیرین چه چیزی لازم دارد؟

۴. میترا چه چیزی از مرکز خرید می خرد؟

تمرین ۲۰

Use the shopping phrases you have learned and prepare a conversation about shopping. Make sure you ask for a bargain and use the appropriate terminology. Role-play your conversation with a classmate in front of the class.

تمرین ۲۱

Listen to the audio file and complete the following chart.

گبه‌هاتون	کفش قرمزها	تخم مرغ	خرما	سیب	این شلوار جین	
						شونه‌ای ۸۰۰۰ تومان
						کیلویی ۱۰,۰۰۰ تومان
						هفتاد هزار تومان
						قابلی نداره!
						قیمت‌ها مقطوعه!
						بسته‌ای ۱۲,۰۰۰ تومان



Technology-related Words

Email	پُسٰتِ الکترونیکی	Internet	اینترنت
SMS	پیامک	Website	تارنما - وبگاه
Results	یافته‌ها	Main menu	منوی اصلی
Contact us	تماس با ما	First page	صفحه نُخست
Fax	دورنگار	Search	بگردد
Links	پیوند‌ها	Search	جستجو
Enter	ورود	Password	رمز عبور - گذار واژه
Cursor	اشاره‌گر	User name	نام کاربری
Icon	آیکن - نَماد تصویری	Button	دکمه

تمرين ۲۲

You have received the following note on your Facebook page. Conjugate the given verbs in the plural imperative form. What is your friend asking you to do?

دوستان عزیزم:

لطفاً این تغییرات را برایم _____ (انجام دادن)
 اشاره‌گر ماوس را بر روی اسم من در بالای این پست _____ (گذاشتن).
 پنجره‌ای بازمی شود. اشاره‌گر ماوس را بدون اینکه _____ (کلیک کردن) روی گزینه‌ی Friends _____ (قرار دادن). در لیست ظاهر شده بر روی Comments and Likes _____ (کلیک کردن). در این قسمت تیک را از کنار _____ (برداشتن).
 ممنون!



تمرین ۲۳

The following information is provided on a clothing website. Underline any words you recognize. Which word means “cheap”? What is this advertisement about? Note that this authentic advertisement uses a mix of spoken and written forms. Can you identify them?



تبلیغ رایگان

اگه شوی لباس دارید و اجناستون رو
می خواهید ارزون بفروشید و یا اگه
کالای تولید ایران دارید
(فقط در زمینه لباس و آرایش)
تو قسمت نظرات بصورت خصوصی
یادداشت بگذارید،
تا در اسرع وقت اقدام به تبلیغ نماییم.

تمرین ۲۴

You receive the following email. What is this email about? What is the email address pooya@qmail.com for?

شما مشترک گروه «پویا» هستید. اعضای این گروه هفته ای یک بار ایمیل دریافت می کنند.

برای مشترک شدن نامه پفرستید به:

bi-pooya@yahooroups.com

ba-pooya@yahooroups.com

برای ارسال نامه به مدیر:

pooya@qmail.com

تمرین ۲۵

Decide if each phrase is in formal or informal form and change it to the other form:

۱. قربون شما:

۲. دستت درد نکنه:

۳. بفرما تو:

۴. بخشین مزاحم شدم:

۵. سلام برسونین:



تمرین ۲۶

Listen to the audio file and fill in the blanks:

- کورش: امشب می خواهی _____ ؟
 پروین: کاری _____ چطور؟
 کورش: _____ بایم سینما؟
 پروین: آره. تو چه فیلمی _____ ببینی؟
 کورش: من _____ دوست دارم یه فیلم _____ ببینم _____ چی؟
 پروین: چه خوب! من هم _____ ساعت چند _____ ؟
 کورش: ساعت _____ چطوره؟
 پروین: بد _____ . تو چی _____ ؟
 کورش: _____ تو چی؟
 پروین: من _____ و _____ می پوشم.
 کورش: باشه، پس منم _____ می پوشم.

تمرین ۲۷

Choose the correct form:

۱. دوستِ من، ناهید، شش _____ دارد. (خواهر - خواهران)
۲. چند تا از _____ من در ایران زندگی می کنند. (دوست - دوستان)
۳. تو این ترم چند تا _____ داری؟ (کلاس - کلاسها)
۴. تو این ترم چه _____ داری؟ (کلاسها - کلاس‌هایی)
۵. ببخشید آقا، این نان‌ها _____ چند است؟ (دانه - دانه‌ای)
۶. در دانشگاه، هر _____ یک نام کاربری دارد. (دانشجو - دانشجویان)
۷. مشتری‌های ما همه _____ هستند. (استاد - استادها)
۸. همه‌ی _____ در کلاس هستند. (دانشآموز - دانشآموزان)



تمرين ۲۸

Arrange the words in parenthesis in the right order and fill in the blanks:

۱. من باید _____ او را ببینم. (ساعت - شش)
۲. چه _____ داری! (قشنگی - کفش‌های)
۳. _____ باید آسان نباشد. (آدرسِ الکترونیکی - رمزِ عبور)
۴. ما به مدرسه نمی‌آید. (بیمار - مدیر)
۵. ببخشید، این _____ چند است؟ (پارچه - متری)
۶. مادرِ من _____ دارد و همیشه برای من لباس می‌خرد. (خوبی - سلیقه‌ی)
۷. این _____ من است. (ماشین - اولین)
۸. خانواده‌ی پارسا در _____ زندگی می‌کنند. (چهارمین - طبقه)

تمرين ۲۹

Task: Your friend wants to buy a rug. You want to convince your friend to take you along. Say the following in Persian. Use the spoken form:

1. Do you want to buy a rug?
2. Where do you want to buy the rug from?
3. Can I come with you?
4. We can go in my car.
5. I have good taste!
6. Maybe they have a student discount.
7. I can ask the seller about a student discount.
8. Do not buy (an) expensive rug because you are a student.
9. I really like to see the rugs.



REVIEW CORNER

Points that remain unclear about Lesson 5:

How I plan to work on these points:

شعر

The following poem by Ferdowsi is from شاهنامه, the national epic of the Persian-speaking world. Find the familiar words. Find three instances of imperative and two instances of subjunctive forms. You will not be evaluated on the content but you can use it for cultural enrichment.

از شاهنامه

به مهر اندرين کشور افسون کنيد	ز دلها همه کينه بیرون کنيد
ز خون ریختن گرد کشور گلست	که از ما چنین دردشان در دلست
بران گنج دادن سپاهی نهم	همه گنج توران شما را دهم
چو دیدید سرما بهار آورید	بکوشيد و خوبی بکار آورید
کنم یکسر از گنج دینار سیر	من ایرانیان را یکایک نه دیر
سر بی گناهان نباید برید	زخون ریختن دل بباید کشید

شاعر: فردوسی (۹۴۰ - ۱۰۲۰)



Ferdowsi's tomb in Tus, near Mashhad



ترانه

Listen to the following song by Mohammad Nouri on YouTube and find the familiar words. This song is in a regional accent. Find the suffix pronouns and indicate how they are pronounced differently from the Tehrani spoken form. Underline the verbs in the imperative form. You will not be evaluated on the content but you can use it for cultural enrichment.

جانِ مریم



آی گل سرخ و سفیدم کی می‌آیی؟
بنفسشه برگ بیدم کی می‌آیی؟
تو گفتی گل درآید من می‌آیم
وای گل عالم توم شد کی می‌آیی؟

جانِ مریم چشماتو واکن، منو صداکن!
شد هوا سپید، در او مد خورشید
وقت اون رسید که برم به صحراء
آی نازنینِ مریم

جانِ مریم چشماتو واکن، منو صداکن!
بشمی رَوونه، برم از خونه، شونه به شونه، به یاد اون روزا
آی نازنینِ مریم

باز دوباره صبح شد، من هنوز بیدارم
کاش می خوابیدم، تو رو خواب می دیدم
خوشی غم توی دلم زده جوونه دونه به دونه
دل نمی دونه چه کنه با این غم
آی نازنینِ مریم

بیا رسید وقت درو، مال منی از پیش نزو
بیا سر کارمون برم، درو کنیم گندما رو
بیا بیا نازنینِ مریم، نازنینِ مریم
آی مریم مریم، ای نازنینِ مریم

خواننده: محمد نوری (۱۹۲۹-۲۰۱۰)



نکته‌ی فرهنگی

Bargaining Brings Prosperity!

Bargaining is a customary practice in Iran. Not only is it culturally accepted, it is said that giving a discount will bring prosperity for both parties. Specific terminology (introduced throughout the lesson) is utilized during bargaining. In some cases, prices can be reduced by two-thirds or even cut in half. Unlike western countries where most stores are franchised and run by big corporations, most of the stores in Iran are privately owned so the seller/owner has the authority to offer a discount. In smaller stores, products may not have a price tag, so foreigners may end up purchasing overpriced products. Bargaining can be a source of amusement for some people. When sellers respond positively to bargaining, customers return to the store for more purchases.

Traditional Bazaars

Traditional Bazaars are the equivalent of modern malls and shopping centers. A traditional Bazaar is a long roofed area with shops on both sides. Traditional Bazaars have beautiful architectural details and designs. Bazaars have sunroofs to let the light in. A wide variety of products, from spices and nuts (such as Saffron and Pistachios) to rugs, china, and jewelry, can be found under one roof.



بازار تهران

ضرب المثل

از آن نترس که های و هوی دارد. از آن بترس که سر به تو دارد!

Literal translation: *Do not be afraid of the loud one! Be afraid of the quiet one!*
(Barking dogs seldom bite!)

This proverb states that, generally, the true nature of an extroverted person is easier to read and is revealed more readily than that of an introverted person.



Thematic Review of New Vocabulary

About Shopping	
What is the final price?	آخرش چند؟
Sell it for less so that we become customers	أَرْزَانٍ بِدَهِيدِ مُشَتَّرِي بِشَوِيم
Cheap	أَرْزانٍ
Per box	بَسْتَهَايٍ
Money	پُول
Discount	تَخْفِيفٍ
Student discount	تَخْفِيفٍ دَانِشجوِي
Toman (Iranian currency)	تومان
May it bring you luck	خَيْرٍ شِ را بَبِينِيد
Each	دانهَايٍ
Taste	سَلِيقَه
Egg crates	شانه
Seller	فَروشنَدَه
Price	قِيمَت
Per Kilogram	كِيلُوي
Expensive	گَرَانٍ
Congratulations	مُبارَكٍ اسْتَ!
Per meter	مِترِي
Client	مُشَتَّرِي
Firm/Fixed price	مَقْطُوع

Places for Shopping	
Small grocery store	بَقالِي
Boutique	بُوتِيك
Fabric store	پارچه‌فروشى
Supermarket	سوپِيرماركِت
Store	فُروشَگَاه
Bookstore	كتاب‌فروشى
Shoe store	كَفَاشِي
Spice & herb store	عَطَارِي
Shop	مَغازَه
Shopping center	مرَكَز خَرِيد
Fruit store	مِيوه‌فروشى
Bakery	نَانِواي

Nouns & Adjectives	
Silk	أَبْرِيشَم
Fabric	پارچه
Egg	تُخْمٌ مُرْغ
Dates	خُرْمَا
Light (weight)	سَبُك
Heavy	سَنْگِين
Apple	سَيِّب
Rug	فَرْش
Rug	قَالِي
Gabbeh	گَبَّه
Qilim	گَلِيم
Moment	لحظَه
School	مَدْرِسَه
Present/Gift	هِدَيه
Co-worker	هَمَكَار



Technology-related words		Clothing & More	
Cursor	اِشاره گر	Blouse	بلوز
Icon	آیکُن - نَمَاد تصویری	Clothes	پوشاس
Internet	اینٹرنیٹ	Dress	پیراهن
Search	بَحْرَد	T-shirt	تی شِرت
Email	پُسْتِ الِکْتَرُونِیکی	Sock	جوراب
SMS	پیامَک	Denim/Jeans	جین
Links	پیوندَهَا	Chador	چادر
Website	تارَنَمَا - وِبَگَاه	Skirt	دامَن
Contact us	تَمَاسِ بِاَنْتَ	Ladies' long coat	روپوش - مانتو
Search	جُسْتُجو	Scarf	روسری
Button	دُكْمَه	Cardigan	ژاکت
Fax	دُورِنگَار	Pants	شَلوَار
Password	رَمْزِ عَبُور - گَذَر وَازَه	Winter coat	کَلَپْشن
First page	صَفَحَةِ نُخْسَت	Coat	کُت
Main menu	منوی اَصْلَى	Suit	کُت و شَلوَار
User name	نَامِ كَارِبَرِي	Shoe	کَفَش
Enter	وَرُود	Hat	کُلاه
Results	يَاْفَتَهُ هَا	Clothes	لبَاس

Health & Sickness	
Sick/Ill	بِيمَار
Hospital	بِيمَارِسْتَان
To get well	خَوْبِ شُدَن
Medical Treatment	مُداوا
Sick/Ill	مَريض



Words & Expressions	
A lot/Many	زِيَاد
OK (Spoken)	بَاشَه
Must	بَايَد
Quickly/Soon	بِهِ زُودِي
So that/Until	تَا
Pair	جُفْت
Sir/Excellency	جِنَاب
OK/Well	حُب
About/Concerning	دَرْبَارِهِ(ى)
That/Which/Who/When/Where/Whose/Whom	كَه
For example	مَثَلًاً
All kinds	هَمَهْ نَوْع

Verbs & Phrases	
We hope	أُمِيدَوَارِيَمْ (بُودَن)
I should/may ask	بِپُرسَمْ (پُرسِيَدَن: پُرس)
I should/must buy	بِخَرَمْ (خَرِيدَن: خَر)
We should/may give	بِدَهِيَمْ (دَادَن: دَه)
S/he should/may go	بِرَوَدْ (رَفَّتَن: رَوْ)
Go! (Plural & Formal)	بِرَوِيدْ (رَفَّتَن: رَوْ)
I should/may find it	بِيَدَائِشْ كُنَمْ (كَرِدَن: كُن)
They should/may haggle	چَانَه بِزَنَنَدْ (زَدَن: زَن)
I should/may count	حَسَابْ كُنَمْ (كَرِدَن: كُن)
We should/may study	دَرْس بِخَوَانِيَمْ (خَوَانِدَن: خَوَان)
Wait! (Plural & Formal)	صَبَرْكُنِيدْ (كَرِدَن: كُن)
You wear	مَيْپُوشِي (پُوشِيَدَن: پُوش)
I can/I am able to	مَيْتَوَانِمْ (تَوَانِسَتَن: تَوان)
I want	مَيْخَواهِمْ (خَواستَن: خَواه)
We want	مَيْخَواهِيَمْ (خَواستَن: خَواه)
It should/may not be	نَبَاشَدْ (بُودَن: هَسْت)
Don't you give...?	نِمِيدَهِيدْ؟ (دَادَن: دَه)

